



شکایت بومیان برزیلی از بولسانارو

دور‌هبر بومی برجسته برزیل از دیوان کیفری بین‌المللی خواسته‌اند تا از ژائیر بولسونارو، رئیس‌جمهوری این کشور به‌خاطر «جنایت علیه بشریت» تحقیق صورت گیرد. آنها بولسونارو را به آسیب‌های بی‌سابقه زیست‌محیطی، قتل و شکنجه متهم کرده‌اند.

رائونی متوکنتری، رهبر قبیله کایاپو و المیر نارایاموگا سورویی، رهبر قبیله پتر سورویی شکایت خود را به هیات مستقر در لاهه ارائه داده‌اند. روزنامه لوموند فرانسه در گزارشی نوشت، طبق این شکایت به دیوان کیفری بین‌المللی گفته شده از زمان روی کار آمدن بولسونارو در ژانویه ۲۰۱۹، تخریب جنگل آمازون سرعت گرفته است. طبق این گزارش، جنگل‌زدایی در مدت یک سال، ۳۴/۵ درصد افزایش یافته، ترو رهبران بومی در بالاترین سطح در ۱۱ سال اخیر قرار دارد و سازمان‌های محیط‌زیستی کنار کشیده یا با تهدید روبه‌رو شده‌اند.

این دو رهبر اعلام کرده‌اند که کشتار، انتقال اجباری مردم بومی و آزار و اذیت آنها، «جنایت علیه بشریت» است. کنشگران در تلاش هستند در کنار نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی، موضوع تخریب محیط‌زیست [زیست‌بوم‌کشی] را به موارد پیگرد قانونی در دیوان کیفری بین‌المللی اضافه کنند. در ژوئیه سال گذشته نیز، برخی کارمندان بخش سلامت در برزیل، از دیوان کیفری بین‌المللی خواسته بودند که از بولسونارو به خاطر جنایت علیه بشریت به دلیل نحوه مدیریت در بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ تحقیق کند.

چندی پیش نیز گروهی از بومیان برزیل در اعتراض به آتش‌سوزی در جنگل‌های آمازون روبه‌روی ساختمان شورای اتحادیه اروپا در شهر بروکسل تجمع کردند. این افراد برای جلب توجه عالمران، به‌طور نمادین یک درخت را آتش زدند و بنرهایی را در حمایت از محیط‌زیست طبیعی در دست داشتند. آتش‌سوزی در جنگل‌های آمازون در سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۸۵ درصد افزایش یافته است. جنگل‌های آمازون از آن نظر اهمیت دارد که یکی از مهم‌ترین ابزار دفاعی زمین در برابر تغییرات اقلیمی است و به‌عنوان ریه‌های کره زمین از آنها نام برده می‌شود که ۲۰ درصد اکسیژن زمین را تولیدمی‌کند.

حمله دزدان دریایی نیجریه به کشتی ترکیه‌ای

ترکیه در تلاش است تا ۱۵ خدمه کشتی کانتینری «موتسارت» را که بامداد شنبه در سواحل نیجریه بوده‌شد نجات دهد. در جریان حمله دزدان، یکی از خدمه کشتی کشته شد، ۱۵انفر بوده شدند و سه نفر دیگر نیز با شماری از دزدان در کشتی باقی ماندند.

به گزارش یورونیوز، گفته می‌شود که دزدان در نهایت کشتی را رها کرده‌اند و اکنون «موتسارت» به سمت ساحل گابن در حال حرکت است. بنابر اعلام دفتر رئیس‌جمهوری ترکیه، رجب طیب اردوغان در این مدت توانسته است دوبار به‌صورت تلفنی با ناخدا فرقان یارن، ناخدا چهارم این کشتی که درون آن باقی مانده و به گفته خودش «کورکورانه» در حال هدایت آن است، گفت‌وگو کنند.

فرقان یارن در جریان این مکالمات، اطلاعاتی را دربارهٔ این حادثه و پرسنل بوده‌ شده در اختیار تیم نجات گذاشته است. خبرگزاری آناتولی به نقل از فرقان یارن می‌نویسد: «کورکورانه سفر می‌کنم. تمام سیم‌ها را قطع کردند. هیچ چیز به جز رادار کار نمی‌کند. به من یک نقشه راه دادند و کشتی را با توجه به آن هدایت می‌کنم.» به گفته ناخدا یارن، دزدان دریایی خدمه کشتی را مورد ضرب و شتم قرار داده و در نهایت او را با یک پای مجروح در کشتی رها کرده‌اند. تنها خدمه کشته شده در این حادثه، یک شهروند آذربایجان است. جیحون پایراموف، وزیر خارجه جمهوری آذربایجان در پیامی توئیتری مرگ خدمه آذری در این حمله را تأیید کرد.

کشتی کانتینری «موتسارت» متعلق به شرکت «Boden» مستقر در استانبول است. قرار بود این کشتی طبق برنامه از بندر لاگوس در نیجریه رهسپار کیپ تاون در آفریقای جنوبی شود. کشتی آخرین بار موقعیت مکانی خود را در حدود ۲۰۰ کیلومتری جنوب لاگوس گزارش داده و قرار بود حدود یک هفته دیگر وارد آفریقای جنوبی شود.



محمد علیزاده بین الملل



آمریکا وارد مرحله جدیدی از بحران شده است

همین حالا تحقیق از ترامپ را شروع کنید

«چاک شومر» ارشدترین عضو دموکرات مجلس سنای آمریکا خواستار تحقیق وزارت دادگستری درباره فشار رئیس‌جمهوری سابق به سرپرست این وزارتخانه برای استعفا شد. ترامپ تلاش کرد در هفته‌های پایانی دولتش، در تلاش برای برهم زدن نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در ایالت جورجیا، سرپرست وزارت دادگستری آمریکا را برکنار کند. چاک شومر از وزارت دادگستری آمریکا خواسته تا همین الان تحقیق درخصوص اقدامات غیرقانونی ترامپ را آغاز کند. / نیویورک تایمز



فوکویاما، استراتژیست ونظریه‌پرداز مشهور آمریکایی می‌گوید وقوع بحران‌های جدید در این کشور اجتناب‌ناپذیر است

لیبرال دموکراسی به پایان رسیده است

فرانسیس فوکویاما، نامی آشنا در حوزه نظریه‌پردازی آمریکا محسوب می‌شود. نظریه مشهور وی مبنی بر پایان تاریخ، به مبنایی تئوریک برای مداخله نظامی دولت جورج واکر بوش در عراق و اشغال این کشور در سال ۲۰۰۳ میلادی تبدیل شد. فوکویاما معتقد بود نظام لیبرال دموکراسی به‌ویژه بعد از فروپاشی اتحاد شوروی به صورت یک جریان غالب و مسلط درآمده است که همه کشورها و جوامع باید در برابر آن تسلیم شوند و آخرین حد تلاش‌ها و مبارزات ایدئولوژی‌های مختلف، در نهایت در قالب ایدئولوژی لیبرال دموکراسی سر برآورده است؛ بنابراین تصور این‌که نظام سیاسی بهتر و مناسب‌تری به عنوان بدل جایگزین این نظام شود، وجود ندارد اما طی سال‌ها و خصوصاً ماه‌های اخیر، فوکویاما رسماً از این نظریه عقب‌نشینی کرده و نظام مبتنی بر لیبرال دموکراسی را شدیداً بحران زده و در نهایت زوال‌پذیر می‌داند.

محمد علیزاده

بین الملل

فوکویاما در تازه‌ترین مقاله خود در نشریه فارین افرز، به مولفه‌های مهمی درخصوص آخرین وضعیت آمریکا اشاره می‌کند. او در حقیقت به بهانه بازخوانی نظریات قبلی خود، به ترسیم مختصات آمریکای امروز پرداخته است، نکات کلیدی و اساسی مطرح شده در مقاله جدید فوکویاما (که پس از پایان ریاست جمهوری ترامپ منتشر شده است) به شرح زیر است:

❖ دو پدیده نوظهور اوضاع آمریکا را به‌شدت وخیم‌تر کرده است. اول؛ فناوری‌های ارتباطی تازه، سبب از میان رفتن مبانی واقعی رایجی شده‌اند که به رایزنی‌های دموکراتیک کمک می‌کرد. دوم، آنچه که زمانی تفاوت‌های سیاسی بین جناح قرمز و آبی شناخته می‌شد، امروز به تفاوت‌ها و شکاف‌های عمیق هویتی و فرهنگی تبدیل شده است.

❖ طبق نظر سنجی اخیر دانشگاه کونینجیپیاک، ۷۷درصد جمهوریخواهان امروز بر این باورند که در انتخابات ۲۰۰ تقبل گسترده‌ای صورت گرفته است. ده‌ها میلیون نفر به ترامپ رای داده‌اند و همچنان از او پشتیبانی می‌کنند، نه به این دلیل که از ایده دموکراسی بدشان می‌آید بلکه آنها در ذهن خود از دموکراسی که دموکرات‌ها ندیده‌اند، دفاع می‌کنند. هرچند توئیتر و فیسبوک در جایگاه درستی در برابر خواسته‌های نادرست ترامپ گرفته‌اند اما در بلندمدت این موضوع نگران‌کننده به نظر می‌رسد. شرکت‌های خصوصی مشروعیت لازم برای تصمیم‌گیری در مورد موضوعات ملی را ندارند.

❖ به‌راستی آمریکا پس از تحلیف بایدن به کجا می‌رود؟ نگرانی عمده از اتفاقی است که قرار است در حزب جمهوریخواه بیفتد. به لحاظ سیاسی، ریاست جمهوری ترامپ جایگاه حزب جمهوریخواه را استوارتر نکرد. چه بسا جمهوریخواهان در تلاش برای بازپس‌گیری آهسته قدرت باشند. ترامپ نیز به نوبه خود می‌تواند به مانند قهرمانی که همه چیزش را فدای کشور کرده، خودنمایی کند.

❖ ترامپ هدیه بزرگی به دشمنان خود داد؛ یک آمریکای ترک‌خورده با چالش‌های داخلی و در تضاد با ارزش‌های دموکراتیک خودش. بایدن که کاخ سفید را فتح کرد و از حمایت حداکثری دموکرات‌ها در کنگره (مجلس نمایندگان و سنا) بهره‌مند است نیز قدرت بازایی جایگاه بین‌المللی آمریکا را نخواهد داشت. ترامپیسم باید طرد و ریشه و شاخ و برگ‌هایش غیرقانونی اعلام شود، نخبگان می‌بایست اقتدار اخلاقی خود را دوباره برپا کنند. اما آیا آنها می‌توانند چنین ماموریتی را به‌درستی انجام دهند؟!

❖ شهروندان آمریکایی در سال ۲۰۱۶ میلادی، علیه دستگاه حاکم فاسد و خودمحور (صاحبان قدرت در ایالات متحده) قیام کرده و تصور کردند با حضور یک فرد رادیکال و منتقد ساختار مانند ترامپ اوضاع بهتر می‌شود. این امر کافی بود تا ترامپ در کاخ سفید روی کار بیاید. با این حال اوضاع در نهایت بدتر شد! اوضاع داخلی آمریکا واقعاً با سرعت حیرت‌انگیزی شروع به

خراب شدن کرد. اوج این روند، حمله شورشیان به کاخ کنگره در واشنگتن در ۶ژانویه بود، اقدامی سرکش و تشویق‌شده توسط رئیس‌جمهوری ایالات متحده. ❖ یکی از مهم‌ترین نواقص سیستم سیاسی آمریکا موجودیت کالج انتخاباتی است اما اکنون تغییراتی در قانون اساسی ایالات متحده برای لغو کالج انتخاباتی در دستور کار نیست. این تغییر اساسی تا حد زیادی دور از دسترس خواهد بود.

پیش به سوی پایان لیبرال دموکراسی

نکات مطرح شده در مقاله اخیر فوکویاما، به وضوح بیانگر دگردیسی ناخواسته مفهوم قدرت در ایالات متحده و ازسوی دیگر، تخریب بنیان‌های لیبرال دموکراسی است. امروز نهادهایی که در آمریکا تا قبل از رخداد‌های اخیر خط قرمز سیاستمداران و شهروندان محسوب شده و نماد قدرت آمریکایی محسوب می‌شود، یکی پس از دیگری به چالش کشیده شده است؛ کاخ سفید، کنگره، دیوان عالی آمریکا، اف‌بی‌آی و دیگر نهادهایی که تا چندی قبل، صاحبان و نظریه‌پردازان نظام لیبرالیستی ایالات متحده برای آنها مصونیتی آهنین قائل بودند.

طی سال‌های گذشته نیز سیاستمدارانی نظیر «جیمی کارتر» و «بیل کلینتون» به همتایان خود هشدار داده بودند که مقهور واژه متوهمانه «ابرقدرتی آمریکا و هژمونی بی‌پایان واشنگتن» در جهان نشوند زیرا نظام

پیش‌بینی چامسکی درست بود

در تکمیل آنچه فوکویاما درخصوص تضعیف و زوال لیبرال دموکراسی دروغین غرب و متعاقباً نظام سیاسی حاکم بر آمریکای پیش‌بینی کرده است، می‌توان به سخنان پروفیسور نوام چامسکی دیگر نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی درخصوص آینده ایالات متحده اشاره کرد:

در آینده‌ای نزدیک و پس از پایان بحران‌هایی مانند شیوع کرونا، دو گزینه محتمل فردای سرنوشت بشریت را تعیین خواهد کرد؛ در آینده، یا بر تعداد نظام‌های فرااقتدارگرا، مستبد و بی‌رحم‌تر از گذشته نسبت به جان و مال انسان‌ها افزوده می‌شود یا با همت و مقاومت توده مردم در سراسر جهان، بازسازی بنیادین نظام‌های حاکم در جهت بهتر شدن شرایط زندگی انسان آغاز می‌شود).

چامسکی در حال حاضر و پس از وقوع حوادث و رخداد‌های اخیر در آمریکا معتقد است که گزینه دوم (بازسازی بنیادین نظام سیاسی حاکم در آمریکا توسط توده‌های مردم) شکل واقعی‌تری به خود خواهد گرفت. به عبارت

بهتر، چامسکی معتقد است که بحران جاری در ایالات متحده، از جنس

منازعه دموکرات- جمهوریخواه یا دیگر منازعات درون ساختاری

قدرت در این کشور نیست! خشم و سردرگمی جاری در آمریکا،

نمادهای گذار از ساختار حاکم بر این کشور محسوب می‌شوند،

نه نماد گذار از ترامپ یا بایدن، چامسکی تاکید دارد که ترامپ و

بایدن هر دو خروجی و محصول ساختار سیاسی و فکری قدرت

در آمریکا هستند و با انهدام زیرساخت‌های قدرت در

آمریکا، دیگر جایی برای عرض اندام بازیگران سنتی

و صاحبان قدرت در این کشور، اعم از دموکرات‌ها

و جمهوریخواهان باقی نخواهد ماند.

توقف همکاری فرودگاه بغداد با شرکت انگلیسی «سیرکو»

شورای اداری فرودگاه بغداد در پی ثبت تخلفات متعدد از سوی شرکت انگلیسی «سیرکو»، پایان همکاری با این شرکت را اعلام و یک شرکت عراقی را جایگزین آن کرد. حسن کریم الکعبی، معاون اول رئیس پارلمان عراق چند روز پیش اعلام کرده بود که باید هرچه سریع‌تر درخصوص تخلفات این شرکت انگلیسی در زمینه خدمات هوانوردی در عراق تحقیق شود. الکعبی تخلفات شرکت سیرکو در فرودگاه بغداد را غیرقابل قبول خوانده بود. / العهد

امری اجتناب‌ناپذیر بوده و با توجه به اثبات ناکارآمدی نظام حاکم بر این کشور، گریزی از آنها وجود ندارد!

❖ دومین هشدار صریح فوکویاما

مقاله اخیر فوکویاما در نشریه فارین افرز، دومین هشدار صریح وی طی کمتر از یک سال اخیر، در خصوص آینده لیبرال دموکراسی و معادلات قدرت در آمریکاست. در اردیبهشت‌ماه امسال، پس از آن‌که ویروس کرونا در آمریکا با سرعت زیادی انتشار یافت و به نماد ضعف و آسیب‌پذیری نهادهای قدرت در این کشور تبدیل شد، فوکویاما نگرانی خود را این‌گونه بیان کرد: «در اجرای درست و موثر اختیارات دستگاه اجرایی، اعتماد مهم‌ترین چیزی است که سرنوشت یک جامعه را تعیین می‌کند. در یک دموکراسی کمتر از یک دیکتاتوری، شهروندان باید باور کنند که دستگاه اجرایی می‌داند چه کاری انجام می‌دهد. اعتماد، متأسفانه دقیقاً همان چیزی است که امروز و در شرایط شیوع کرونا در آمریکا از دست رفته است.»

فوکویاما صراحتاً از پایان اعتماد شهروندان آمریکایی نسبت به صاحبان قدرت و نهادهای متمرکز در این کشور سخن گفته بود. فوکویاما معتقد است زمانی که اعتماد شهروندان نسبت به نظام سیاسی آمریکا از بین برود و نهادهای قدرت در آن تبدیل به موانع آزادی سیاسی- اجتماعی شوند، دیگر نمی‌توان حیات و بقای نظام نئولیبرالیستی حاکم بر آمریکا را تضمین کرد. امروز، پس از حدود هشت ماه، فوکویاما به‌گونه‌ای صریح‌تر نگرانی خود را از آینده آمریکا ابراز می‌کند.

❖ آمریکادیکر نمی‌تواند به دیگران درس دهد

میخائیل گورباچف آخرین رئیس‌جمهوری شوروی سابق، در توصیف آنچه امروز در ایالات متحده می‌گذرد، می‌گوید: «آنچه در واشنگتن اتفاق افتاد، واقعا تهدیدی برای ثبات



آمریکاست. اما این آمریکایی‌ها هستند که باید علل و عواقب آن را درک کرده و نتیجه‌گیری کنند. آنها باید به این کار پرداخته و از درس دادن به دیگران دست بردارند.»

هواداران دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری فعلی آمریکا روز شش ژانویه اندکی پس از تجمع در محل سخنرانی وی، به کاخ کنگره (کاپیتول) در پایتخت آمریکا حمله کردند. یک شرکت‌کننده در تارامی‌ها بر اثر اصابت گلوله و سه نفر دیگر به علت غیرمربط با خشونت جان خود را از دست دادند، یک مامور پلیس نیز پس از زخمی شدن کشته شد. در این شرایط، برخی سیاستمداران از هردو حزب دموکرات و جمهوریخواه، خواستار استیضاح ترامپ هستند. استیضاح رئیس‌جمهوری آمریکا، پس از پایان دوران حضور وی در قدرت نیز امکان‌پذیر بوده و در صورتی که نتیجه آن مثبت باشد، ترامپ به صورت مادام‌العمر از حضور در مسند قدرت و انجام هرگونه فعالیت سیاسی منع خواهد شد.

❖ بحران داخلی آمریکا عمیق‌تر از حد تصور است

استفان لندمن، تحلیلگر آمریکایی در گفت‌وگو با جام‌جم درخصوص آخرین وضعیت جاری در ایالات متحده می‌گوید: واقعا سخن گفتن از منازعه دموکرات- جمهوریخواه



در آمریکا، آن هم با توجه به شواهدی که در جامعه امروز ایالات متحده شاهد آن هستیم اشتباه است. بحران‌های جاری در آمریکا از جنس حزبی نیست. این بحران‌ها ماهیتی کاملاً ساختاری دارد و عواقب و تبعات آن نیز متوجه ساختار و نظام حاکم بر آمریکا خواهد بود. باید تاکید کنم که هر دو حزب سنتی آمریکا و سیاستمداران این کشور، در ایجاد وضعیت بحرانی امروز دخیل بوده‌اند.

به عنوان مثال زمانی که از نژادپرستی یا ساختار انتخاباتی نامتعادل (ساختار اکثرال) در آمریکا سخن می‌گوییم، باید روی نقش هر دو حزب آمریکا در ایجاد آنها متمرکز شویم.

به نظر، ما جمهوریخواهان و دموکرات‌ها، دو شعبه از یک جریان در آمریکا محسوب می‌شوند و نباید تفکیکی میان آنها قائل شد. لندمن در ادامه تاکید می‌کند؛ بنابر آنچه گفته شد، نمی‌توان بحران‌های جاری در آمریکا را صرفاً ناشی از وجود یا عدم وجود ترامپ در مسند ریاست جمهوری دانست. بحران‌های جاری در ایالات متحده به‌مراتب عمیق‌تر از آن چیزی است که تصور می‌کنیم. ما با یک خشم نهفته عمومی نسبت به بنیان‌ها و ساختارهای قدرت در آمریکا روبه‌رو هستیم که هر بار، خود را در قالب نوعی از اعتراضات و خشونت‌ها نشان می‌دهد. ❖